



مجله اخلاق زیستی

دوره یازدهم، شماره سی و ششم، ۱۴۰۰
<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.34906>



مقاله پژوهشی

جبران خسارات وارده بر محیط زیست با تأکید بر بحران دریاچه ارومیه و استناد به قاعده لاضرر، اتلاف و تسبیب

سپیده بوذری^۱

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در اسلام برای پاسداری از محیط زیست، احکامی در چارچوب قواعد کلی جبران خسارت، از جمله قاعده لاضرر، اتلاف و تسبیب وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در راستای مبانی فقهی مسئولیت مدنی زیست‌محیطی مورد بررسی قرار داد. پژوهش پیش رو با هدف بررسی جبران خسارات وارده بر محیط زیست با تأکید بر بحران دریاچه ارومیه و استناد به قاعده لاضرر، اتلاف و تسبیب، انجام گرفته است.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش این پژوهش، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری نیز رعایت شده است.

یافته‌ها: در سال‌های اخیر پس‌روی آب دریاچه ارومیه و تبدیل شدن سطح آن به مناطق شوره‌زار سبب از بین رفتن محیط زیست سالم شده است. مشکل بحران دریاچه ارومیه حاصل عدم توجه به مقوله توسعه پایدار در حوضه آبریز آن و مصرف بی‌رویه آب در بخش‌های مختلف، از جمله بخش کشاورزی بوده است. بر مبنای قاعده لاضرر هرگونه تصرف و تغییر در جامعه انسانی و طبیعت که موجب تضییع حقوق دیگران شود، از نظر اسلام ممنوع است، لذا در صورت ورود زیان به محیط زیست و با تحقق ارکان خسارت می‌توان جبران آن را از مرتکبین ورود زیان‌های زیست‌محیطی مطالبه کرد. طبق قاعده اتلاف اگر کسی با ایجاد آلودگی‌های زیست‌محیطی باعث تخریب و اتلاف سرمایه‌های طبیعی همگانی شود، مکلف به جبران خسارت است و در قاعده تسبیب علاوه بر انتساب ضرر به فاعل، اثبات تقصیر نیز ضروری است.

نتیجه‌گیری: یکی از حقوق اساسی زیست‌محیطی در ایران، حق بر محیط زیست دریاچه ارومیه است که در نتیجه دخالت عوامل طبیعی و انسانی در معرض نابودی قرار گرفته است. در این راستا، مبانی فقهی جبران خسارات زیست‌محیطی، قواعد فقهی، از جمله قاعده لاضرر، اتلاف و تسبیب می‌باشد که بر مبنای آن‌ها مسئولیت‌های تکلیفی انسان به درستی مشخص و نتیجه آن‌ها اثبات ضمان، در نتیجه هر عمل تخریبی در محیط زیست است. از لحاظ اصول و مبانی مسئولیت مدنی، جبران زیان‌های وارده بر محیط زیست، از جمله دریاچه ارومیه از راه‌هایی مانند اعاده طبیعت به وضع سابق، جبران خسارت از راه دادن معادل و دستور موقت، محقق می‌شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱

واژگان کلیدی:

محیط زیست

جبران

زیان

خسارات زیست‌محیطی

دریاچه ارومیه

* نویسنده مسئول: سپیده بوذری

آدرس پستی: ایران، مراغه، دانشگاه مراغه،

دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق.

کد پستی: ۵۵۱۸۱۸۳۱۱۱

پست الکترونیک:

bozari.sepide@yahoo.com

۱. مقدمه

به طور طبیعی مهم‌ترین عاملی که روی تراز آب دریاچه تأثیر می‌گذارد، عوامل اقلیمی است. برای مثال تغییرات دمایی و بارش را می‌توان از جمله مهم‌ترین عوامل اقلیمی قلمداد نمود، اما تغییر در کاربری اراضی و عوامل دیگر که ساخته دست انسان‌ها می‌باشد، باعث تغییرات غیر طبیعی در این خصوص می‌شود.

مناطق ساحلی نواحی پویایی از عملکرد متقابل زمین، آب و اتمسفر هستند که در عین حال تحت تأثیر تغییرات دائم طبیعی و دستکاری انسان قرار دارند.

سازمان حفاظت محیط زیست برای حفظ دریاچه ارومیه، اقدام به تدوین استراتژی‌های بلندمدت، کوتاه‌مدت و میان‌مدت در قالب برنامه مدیریت جامع و یکپارچه حوضه آبریز دریاچه نموده است. به علاوه عدم ایجاد تعادل بین حفاظت و بهره‌برداری از منابع حوضه دریاچه ارومیه، کم‌رنگ شدن نقش مردم در رسیدن به اهداف مد نظر و کافی نبودن ظرفیت‌سازی و ارتقای آگاهی عمومی مشکلاتی را در احیای این دریاچه ایجاد کرده است.

طی ۵ سال گذشته حدوداً ۱۷۰۰۰ هکتار به اراضی کشاورزی افزوده شده و این در حالی است که منابع آب همچنان محدود است. توسعه اراضی کشاورزی، گسترش بی‌رویه چاه‌های غیر مجاز در دشت‌های پیرامون دریاچه ارومیه و تبدیل اراضی دیم به کشاورزی باعث افت شدید آب‌های زیرزمینی شده است. چالش بزرگ دیگر، جاده شهید کلانتری است که تأثیرات آن بر دریاچه مشخص است. احداث سدهای فراوان در حوزه آبریز نیز از دیگر مسائل است.

حال در این شرایط لازم است با قانونی‌نمودن بهره‌برداری از منابع طبیعی، از جمله دریاچه ارومیه از تخریب و نابودی آن‌ها جلوگیری نموده و با عاملان زیان‌برخورد قانونی شود، زیرا تخریب محیط زیست یکی از معضلات اجتماعی اساسی عصر حاضر و یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی است که در حقوق محیط زیست به آن پرداخته می‌شود، لذا توجه به لزوم جبران

فقه محیط زیست را همانند سایر موضوعات نوپدید باید در ذیل پویایی فقه اسلامی جای داد. در فقه اسلامی، مستندات فقهی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) و قواعدی از قبیل قاعده اتلاف، تسبیب، لاضرر و...، پاسخگوی مقتضیات زمان در عرصه پاسداری از محیط زیست است.

فقه محیط زیست، یعنی بررسی وظایف انسان در قبال محیط زیست. از آنجا که فقه، دانشی گسترده است و در رابطه با تنظیم روابط انسان با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت برنامه ارائه می‌دهد، آن بخش از فقه را که در رابطه با قوانین انسان و طبیعت است می‌توان فقه محیط زیست نامید.

از دیدگاه اسلام، حفظ طبیعت و تخریب‌نکردن آن یک وظیفه الهی است و به تبع آن هرگونه آسیب و خسارت بر محیط زیست منع شده است، لذا قانونگذار نمی‌تواند قانونی وضع کند که به تخریب و انهدام محیط زیست بی‌انجامد. همچنین هرگونه رفتاری که به تخریب محیط زیست منتهی شود، نامشروع است.

در واقع اسلام برای حفاظت از محیط زیست احکام خاصی دارد که به عنوان راهکارهایی در حوزه‌های مختلف عملکرد انسان در رابطه با طبیعت مورد ارزیابی قرار گرفته است. اصول و قواعد کلی درباره ضمان و مسؤولیت مدنی نیز وجود دارد که بسیاری از کارکردهای مسؤولیت مدنی را دارا است. قواعد کلی جبران خسارت در قاعده لاضرر، اتلاف، تسبیب و... تجلی یافته است که بخشی از مبانی فقهی مسؤولیت مدنی زیست‌محیطی و لزوم محافظت از دریاچه ارومیه را تشکیل می‌دهد.

خشک‌شدن تدریجی دریاچه ارومیه مدت‌هاست که به مسأله‌ای ملی تبدیل شده و کم و بیش موضوع بحث‌های علمی و غیر علمی بوده است. از اواسط دهه ۱۳۷۰ حوضه آبریز دریاچه ارومیه همانند دیگر بخش‌های ایران تحت تأثیر پدیده خشکسالی نسبتاً شدید و طولانی‌مدت قرار گرفت و در اثر این خشکسالی سطح آب آن به طور پیوسته کاهش یافت.

۳. مواد و روش‌ها

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و از اسناد، کتب، مقالات و... بهره گرفته شده است.

۴. یافته‌ها

وظیفه هر انسانیت که خود را مسؤول حفظ محیط زیست بداند. در واقع حاکمیت انسان بر طبیعت سبب مشکلاتی جدی برای محیط زیست شده است. در مسأله حفظ دریاچه ارومیه به عنوان یکی از پدیده‌های زیست‌محیطی در سال‌های اخیر با وجود تلاش‌های عدیده در جهت حفظ و تأمین حقوق زیست‌محیطی آن، این بحران جدی حل نشده است. پس روی آب و تبدیل شدن سطح دریاچه به مناطق شوره‌زار سبب از بین رفتن محیطی سالم شده، لذا تهدیدی بزرگ فراروی سلامت انسان و محیط و حقوق اولیه افراد ساکن در حاشیه دریاچه و حتی مناطق دوردست قرار گرفته است.

۴-۱. محیط زیست: محیط زیست از دو کلمه تشکیل شده است: «محیط» که واژه‌ای عربی است و «زیست» که واژه‌ای فارسی است. «محیط» به معنای مکان و اوضاع و احوال است و آنچه که شخص یا چیزی را احاطه کرده و منشأ تغییر و تحول می‌باشد (۱). از نظر لغوی محیط دو معنی دارد: یک معنا «فراگیرنده، دربرگیرنده و احاطه‌کننده»؛ دیگری «اقیانوس» (۲). «زیست» مترادف «زندگی» و «حیات» و «زیستن» است (۳).

آیت‌ا... جوادی آملی محیط زیست را این‌گونه تعریف می‌کنند: «محیط زندگی آدمی و هر موجود زنده دیگر از فضای خانه گرفته تا فضای کوچه‌ها، خیابان‌ها، پارک‌ها و فضاهای سبز، توقفگاه‌ها، جنگل‌ها، حاشیه نهرها، مراکز آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، خدماتی و... محیط زیست به شمار می‌آیند» (۴).

در واقع محیط زیست طبیعی عبارت است از ترکیبی از دانش‌های متفاوت در علم که از مجموعه عوامل زیستی و

هر نوع ضرر و زیان در اکثر نظام‌های حقوقی، مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته و بحث از مسؤولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی از جایگاه ویژه‌ای در علم حقوق برخوردار است. همانطور که بیان شد، دریاچه ارومیه با وجود داشتن ویژگی‌های زیست‌محیطی منحصر به فرد، در نتیجه دخالت عوامل طبیعی و انسانی، در معرض خشک شدن قرار گرفته و به خلاف کارکردی که می‌توانست در تعدیل شرایط زیست‌محیطی منطقه داشته باشد، به تهدیدی برای امنیت انسانی و نقض حقوق اساسی، از جمله حق حیات، حق سلامتی، حق برخورداری از محیط زیست پاک و... تبدیل شده است. در این پژوهش پرداختن به این سؤال، اساسی و مهم است که کارکرد قاعده لاضرر و سایر قاعده‌های فقهی به عنوان قواعد مسلم فقهی، در اثبات این حق چیست؟ آیا از این قاعده‌ها می‌توان برای پیشگیری و جبران ضرر نسبت به رفتار و اقدامات تهدیدکننده محیط زیست استفاده کرد؟ پژوهش حاضر با درک این ضرورت، به بررسی مفهوم حق بر محیط زیست و کاربرد قاعده‌های فقهی پرداخته و کوشیده است با بررسی ارتباط این دو مفهوم، جایگاه استدلالی قاعده‌های فقهی از جمله قاعده لاضرر را در اثبات حقوق زیست‌محیطی دریاچه ارومیه روشن کند و از این رهگذر به ارائه راهکارهایی به منظور حفاظت از دریاچه و تأمین حقوق زیست‌محیطی پیرامون آن دست یابد.

قابل ذکر است در این پژوهش مشکلات و محدودیت‌هایی وجود دارد، از جمله کمبود منابع علمی، عدم دسترسی آسان به کتب، مجلات، پایان‌نامه‌ها، مقالات و بانک‌های اطلاعاتی، فقدان نظریات دقیق و...

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش این پژوهش، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری نیز رعایت شده است.

عرصه‌های صنعت و فناوری علی‌رغم مزایای مختلف، خطرات مهلکی را نیز پدید آورده است.

قرآن کریم با اشاره به نقش انسان‌ها می‌فرماید: «و لو أن أهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم بركات من السماء و الأرض؛ و چنانچه مردم شهر و دیار همه ایمان آورند و پرهیزکار شوند، همانا درهای بركات آسمان و زمین را بر روی آن‌ها می‌گشاییم.»

بر اساس احکام اسلامی رابطه نزدیکی میان انسان و طبیعت وجود دارد و بر همین اساس فقه اسلامی به عنوان دستورالعمل حیات انسان به تبیین این مهم می‌پردازد.

در بررسی قواعد و اصول موجود در فقه اسلامی می‌توان به قواعدی دست یافت که مبنای محکم و قاطعی برای حمایت از محیط زیست در حکومت اسلامی است. در این مقاله به بررسی برخی از این قواعد فقهی مرتبط با جبران خسارات وارده بر محیط زیست و دریاچه ارومیه که عبارتند از قاعده لاضرر، اتلاف و تسبیب می‌پردازیم.

۱-۳-۴. قاعده لاضرر: طبق قاعده لاضرر در اسلام که تمام زندگی بشر را دربر گرفته است، انسان نمی‌تواند و نباید به محیط زیست ضرر بزند. ضرر در اینجا به معنای سوءاستفاده نیز ذکر می‌شود و یا حتی ضرر بیش از حد به محیط زیست را نیز شامل می‌شود، لذا نباید آسیبی به محیط زیست وارد کنیم و وظیفه‌ای که هر کسی برای حمایت از محیط زیست دارد، این است که باید خود را مسؤول بداند.

۱-۳-۴. کاربرد قاعده لاضرر در حفظ محیط زیست: این قاعده که در حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن کاربرد دارد، مبنای فقهی محکمی برای وضع و اجرای قانون به شمار می‌رود. بنابراین هرگونه تصرف و تغییر در جامعه انسانی و طبیعت که موجب تضییع حقوق دیگران شود، از نظر اسلام ممنوع و مردود است. بسیاری از مسائل زیست محیطی را می‌توان در قالب این قاعده بررسی کرد.

محیطی در محیط زیست و غیر زیستی (فیزیکی و شیمیایی) تشکیل می‌شود که بر زندگی یک فرد یا گونه تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌بیند. امروزه این تعریف غالباً به انسان و فعالیت‌های او مرتبط می‌شود و می‌توان محیط زیست را در مجموعه‌ای از عوامل طبیعی کره زمین، همچون هوا، آب، اتمسفر، صخره، گیاهان و... که انسان را احاطه می‌کنند، خلاصه کرد. تفاوت محیط زیست با طبیعت در این است که طبیعت شامل مجموعه عوامل طبیعی، زیستی و غیر زیستی است که منحصراً در نظر گرفته می‌شوند، در حالی که عبارت محیط زیست با توجه به برهم کنش‌های میان انسان و طبیعت و از دیدگاه انسان توصیف شده است (۵).

۲-۴. بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه و علل خشک

شدن آن: دریاچه ارومیه با وجود داشتن موقعیت و مزایای فراوان و شرایط زیست‌محیطی ویژه در سال‌های اخیر به دلیل دخالت‌های نا به جای انسان در معرض خشک‌شدن و نابودی و تبدیل‌شدن به یک بحران قرار گرفته و تاکنون ۶۰ درصد آن به شوره‌زار تبدیل شده است.

کاهش بی‌سابقه آب دریاچه در چند سال اخیر ناشی از عوامل مختلف طبیعی و انسانی است که از جمله عوامل طبیعی می‌توان به کاهش میزان بارندگی و جریان رودخانه‌ها، افزایش دما و تبخیر زیاد آب اشاره کرد، اما عوامل انسانی عبارتند از توسعه کشاورزی و گسترش کشت آبی، احداث بزرگراه میان گذر شهید کلانتری، احداث سدهای متعدد، افزایش جمعیت و مصرف بی‌رویه منابع آب، توسعه نامتوازن بخش کشاورزی و تولید بیش از نیاز برخی از محصولات در منطقه (۶).

۳-۴. ضمانت‌های اجرایی حفاظت از محیط زیست بر

مبنای قواعد فقهی: فقه محیط زیست به تبع خود محیط زیست از اهمیت زیادی برخوردار است. صدماتی که به محیط زیست وارد می‌آید، بیش از آنچه که به وسیله خود طبیعت بر محیط زیست تحمیل می‌گردد، معلول رفتار نادرست و برنامه‌ریزی غلط انسان‌ها است (۷). پیشرفت‌های بشر در

محافظت از محیط زیست، هم مورد توجه و اعتبار شارع بوده است (۱۰).

بر اساس دیدگاه امام خمینی (ره) که لاضرر را نهی حکومتی انگاشته‌اند (۱۱)، وظیفه دولت اسلامی برای مقابله با رفتارهای اینچنینی که از سوی آحاد جامعه یا بخش‌هایی از مراکز اداری انجام می‌گیرد، حتمیت می‌یابد، لذا طبق این قاعده فقهی، در اسلام از طرف شارع هیچ حکم ضرری وضع نگردیده است. بر این اساس زیان‌رساندن به دیگران نیز جایز نیست و آلوده ساختن محیط زیست و تخریب و نابود کردن طبیعت و منابع طبیعی از روشن‌ترین نمونه‌های زیان‌زدن به دیگران است که اسلام آن را مردود و ممنوع شمرده است و از آنجا که ضرر به محیط زیست نیز می‌تواند از مصادیق این حکم باشد، به دلالت این قاعده می‌توان ضمان قهری صدمه‌زندگان به محیط زیست را از طریق نفی ضرر غیر متدارک و ملازمه ضرر با جبران و همچنین استفاده از شمول احکام عدمی مورد توجه قرار داد. در واقع مبنای مسؤولیت مدنی در فقه بر اساس قاعده لاضرر استوار است و می‌توان چنین مسؤولیتی را مسؤولیت مطلق نامید، زیرا تا زمانی که بتوان بر اساس قاعده اتلاف زیان وارده را مطالبه نمود، به این قاعده مراجعه می‌شود و در صورت عدم صدق اسناد به خاطر وجود واسطه‌ها در ورود ضرر، سراغ قاعده لاضرر می‌رویم و اگر در برخی موارد از تسبیب سخن گفته شده است، به معنای اعتقاد به مبنای تقصیر نیست، بلکه به خاطر کشف رابطه اسناد از تسبیب است. بنابراین محتوای قواعد فقهی حاکی از مسؤولیت مطلق یا عینی برای عامل زیان می‌باشد (۱۲).

خلاصه اینکه هر نوع تصرف و تغییر در طبیعت که موجب تضییع حقوق دیگران شود، از نظر اسلام ممنوع و مردود است. این نکته حائز اهمیت است که بسیاری از مسائل زیست‌محیطی، از جمله خسارات وارده بر دریاچه ارومیه را می‌توان در قالب لاضرر بررسی کرد.

طبق قاعده لاضرر، ضرر در اسلام مشروعیت ندارد. این مشروعیت‌نداشتن هم شامل مرحله قانونگذاری و هم شامل فرایند اجرای قانون می‌شود، در نتیجه هرگونه قانونگذاری که به ضرر انجامد یا هرگونه رفتار فردی و اجتماعی که بدان منتهی شود، منتفی شمرده می‌شود. بنابراین در موضوع مورد بحث در ابتدا قانونگذار جامعه نباید قانونی وضع کند که به تخریب و انهدام محیط زیست بینجامد و در مرحله بعد هرگونه رفتاری از سوی مردم که به اضرار محیط زیست بینجامد، غیر مشروع و مشمول نهی تکلیفی است، لذا دولت اسلامی و متصدیان محیط زیست خود را مکلف می‌دانند که در مرحله قانونگذاری و به کارگیری روشی علمی در جهت حفظ محیط زیست اقدام کنند و این اقدامات، بایسته‌هایی است که ترک آن‌ها به زیان‌های جبران‌ناپذیری می‌انجامد و قاعده لاضرر با آن مقابله می‌کند. بنابراین قاعده مزبور افزون بر نقش بازدارنده نقش سازنده خواهد یافت (۸). مسأله بعدی، شمول قاعده لاضرر بر عدمیات است، یعنی قاعده لاضرر نه تنها مانع اضرار به محیط زیست می‌شود، بلکه چنانچه اقدام تخریبی یا ترک اقدام‌های اصلاحی و سازنده هم به اضرار محیط زیست بینجامد، این قاعده با آن مقابله خواهد کرد، از جمله نتایج مترتب بر شمول قاعده لاضرر بر عدمیات، اثبات ضمان بر عهده خسارت‌زننده است (۹).

مسأله دیگری که مطرح می‌شود، این است که در صورت تعارض قاعده لاضرر با قاعده سلطنت «الناس مسلطون علی اموالهم»، قاعده لاضرر به دلیل تقدم حقوق جامعه و حقوق نوعی بشر بر حق فرد بر قاعده سلطنت (تسلط) رجحان دارد و به اصطلاح حقوق اسلامی قاعده لاضرر، دایره سلطه مالک در تصرفات مضر بر محیط زیست را تخصیص می‌زند.

قاعده مورد بحث، البته بیشتر بر وجه سلبی موضوع، یعنی حرمت رفتار زیان بار به محیط، دلالت دارد، ولی از راه همین دلالت می‌توان نتیجه گرفت که وجه ایجابی آن، یعنی

به آن تمسک کرده و حتی در مواردی مفاد آن را بر احکام اولیه مقدم دانسته‌اند (۱۴).

در واقع قاعده لاضرر هرگونه ضررزدن به دیگران را نفی می‌کند و بر هر حکمی که ضرری داشته است، حاکم است. با بررسی عواقب خشک‌شدن دریاچه ارومیه مشخص شد که خشک‌شدن آن، ضرری بسیار عظیم، نه برای یک یا چند نفر، بلکه برای میلیون‌ها نفر به شمار می‌رود. خشک‌شدن دریاچه ارومیه مساوی است با از بین رفتن حقوق مسلم مردم منطقه، از جمله حق بر حیات و حق بر تغذیه مناسب که از حقوق مسلم پذیرفته‌شده در جامعه جهانی است و در دین مبین اسلام نیز از بالاترین حقوق انسان‌ها به شمار می‌رود. بنابراین برای جلوگیری از خشک‌شدن دریاچه ارومیه و احیای آن می‌توان به قاعده لاضرر و قاعده‌های ذیل استناد کرد.

۲-۳-۴. قاعده اتلاف: قاعده اتلاف از مهم‌ترین قواعدی است که فقهای اسلام در باب ضمان از آن بهره می‌برند. از قضاوت‌های حضرت علی (ع) در مورد مسؤولیت کسانی که به عناصر زیست‌محیطی آسیب وارد می‌کنند، روایتی است که حضرت در مورد کسی که حیوانی را به قتل برساند، یا درختی را قطع نماید، یا کشتزاری را خراب کند، یا خانه‌ای را ویران سازد، یا چاه آب یا نهری را از بین ببرد، فرمودند که باید قیمت آنچه را که تخریب نموده و از بین برده است، جبران کند و چنانچه عمل او عمدی بوده باشد، باید تعزیر نیز بشود، ولی اگر عمل او خطایی بوده و تعمدی در کار نباشد، فقط باید غرامت پرداخت کند و حبس و تأدیب ندارد و اگر حیوانی را ناقص نماید باید تفاوت قیمت آن را پرداخت نماید (۱۵).

از قضاوت حضرت دو نکته به دست می‌آید: یکی اینکه تخریب و اتلاف عمدی محیط زیست، علاوه بر مسؤولیت مدنی، مسؤولیت کیفری را نیز دربر دارد؛ نکته دیگر، شمول قاعده اتلاف نسبت به عمد و غیر عمد است، زیرا حکم وضعی ضمان اختصاص به حالت عمد ندارد و شامل موارد شبه‌عمد و خطا نیز می‌شود. از این رو شخصی که با عمل خویش موجب تلف

۲-۱-۳-۴. رابطه قاعده لاضرر و حق بر محیط زیست: اسلام کامل‌ترین دین‌ها است و در تمام جنبه‌ها و جوانب زندگی بشر، برنامه خاص خود را ارائه کرده است. ریزترین جنبه‌های زندگی از دید اسلام مخفی نمانده و تمام جوانب زندگی انسان مسلمان همراه با برنامه منظم و دقیق است.

وظیفه انسانی و اجتماعی و مذهبی هر انسانی است تا در حفاظت محیط زیست بکوشد و سلامتی آن را تأمین کند. مسلماً محیط زیست ناسالم می‌تواند خطرات جبران‌ناپذیری بر سلامت روحی و جسمی انسان‌ها داشته باشد، زیرا بشر به منظور حفظ حیات خویش نیازمند برخورداری از محیط زیست مناسب است. همان‌گونه که بیان شد، قاعده لاضرر بر همه افعال و احکام حکومت دارد. به همین دلیل حتی در استفاده شخصی فرد و در محدوده مالکیت خصوصی خود نیز ملزم به رعایت حقوق محیط زیست است. بنابراین باید گفت که قاعده لاضرر یکی از مبانی مهم فقهی حق بر محیط زیست تلقی می‌شود و هرگونه فعل و ترک فعل که موجب تخریب محیط زیست از جمله دریاچه ارومیه و ضرر و زیان بر دیگران شود، به سبب این قاعده ممنوع است.

حال در صورت ورود زیان به محیط زیست و با تحقق ارکان خسارت، می‌توان جبران آن را از مرتکبین ورود زیان‌های زیست‌محیطی در چارچوب دعوی حقوقی، علاوه بر وجود مسؤولیت کیفری مطالبه کرد و با داشتن مسؤولیت خسارت زندگان و الزامات ناشی از آن از بروز زیان‌های پیش روی محیط زیست نیز تا میزان زیادی جلوگیری نمود (۱۳).

۳-۱-۳-۴. رابطه قاعده لاضرر و دریاچه ارومیه: همانطور که بیان شد، قاعده لاضرر به عنوان یکی از قواعد مسلم فقهی، پایه استدلال بسیاری از فقها قرار گرفته و از آن احکام جزئی فراوانی به دست آمده است. قابلیت استدلالی این قاعده چنان گسترده است که فقها از آن نه تنها برای نفی احکام وجودی متضمن ضرر استفاده کرده‌اند، بلکه برای اثبات امور عدمی که راه دفع ضرر فقط در آن‌هاست و از جمله اثبات برخی حقوق،

با توجه به تعاریفی که از مال و اطلاق آن در حقوق وجود دارد، کلیه عناصر زیست محیطی شامل خاک، آب، هوا و آنچه که منابع زیست محیطی را تشکیل می‌دهد، مال شمرده می‌شود، چراکه انسان برای ادامه حیات و داشتن محیط زیست سالم به همه این عناصر نیازمند است و بقا و حیات بشر مبتنی بر آنهاست، پس این اموال هم محترم است و نباید مورد تخریب، آلودگی و آسیب قرار گیرد و در صورت ورود خسارت باید جبران شود، چراکه هرگاه به وسیله شخص عملی انجام گیرد که موجب ضرر دیگران گردد، این از موارد اتلاف است و هر کس عمل اضرائی در اموال و حقوق مالی انجام دهد، باید آن را جبران کند و اعمال اضرائی ضمان دارد (۱۰)، لذا می‌توان بر این باور بود که از بین بردن محیط زیست، به آن دلیل که دارای ارزش ذاتی است، موجب ضمان و مسؤولیت مدنی می‌شود و عامل زیان باید آن را اصلاح کند و به حالت پیشین برگرداند یا اینکه به گونه‌ای دیگر جبران خسارت کند، اما اینکه عامل زیان در برابر چه شخصی مسؤول است و چه کسی می‌تواند آن را درخواست کند، در پاسخ باید گفت که دولت به عنوان متولی این امور و به تبع آن سازمان‌های مربوطه باید اقدامات لازم را در این خصوص انجام دهند.

اصل پنجاه قانون اساسی، حق داشتن محیط زیست سالم را به عنوان یکی از حقوق اساسی و بنیادین شمرده و تخریب آن را ممنوع می‌داند و به استناد ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» در واقع تخریب و آلودگی، به جان یا سلامتی یا مال لطمه و خسارت وارد می‌سازد و حق انتفاع را از بین می‌برد که موجب ضرر مادی و معنوی می‌شود و به حکم همین ماده، شخص مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود.

مال دیگری شده، ضامن است و ملزم به جبران خسارت وارده است، اعم از اینکه عالماً و عامداً چنین کرده باشد یا بدون قصد، عمل او چنین نتیجه‌ای در پی داشته باشد (۱۶). در واقع مهم‌ترین مستند قاعده اتلاف روایاتی است که متضمن مسؤولیت شخصی است که غیر مستقیم موجب بروز خسارت گردیده است. ابی‌الصلاح از امام صادق (ع) نقل می‌نماید که «کل من أضر بشی بطریق المسلمین فهو له ضامن؛ هر کس به واسطه چیزی به راه مسلمانان آسیبی برساند، ضامن است» (۱۲).

در اتلاف، اراده و عزم نسبت به اتلاف و اضرار به غیر لازم نیست. منظور از عدم دخالت عنصر قصد و عمد در پدید آمدن ضمان است، ولی بدون تردید فاعلیت در عمل و تحقق انتساب و نیز ارتباط فاعل با تلف صورت گرفته، لازم است. بنابراین در ضمان اتلاف، تقصیر شرط نیست، ولی انتساب شرط است و باید این عامل که رکن اصلی ضمان است احراز گردد (۱۷).

بر اساس این قاعده هر کس مال دیگری را بدون اجازه او تلف یا صرف کند و یا مورد بهره‌برداری قرار دهد، ضامن است و هر کس به تخریب و اتلاف اموال دیگران، اعم از اموال خصوصی و عمومی اقدام کند، مسؤول جبران خسارت است. هر فعل و ترک فعلی که منجر به تخریب محیط زیست شود، موجب ضمان فاعل آن را فراهم خواهد کرد. به طور خلاصه می‌توان از این حیث قاعده اتلاف را در ارتباط با محیط زیست این گونه بیان کرد که اگر کسی با ایجاد آلودگی‌های زیست محیطی به گونه‌ای به طبیعت آسیب رساند که باعث تخریب و اتلاف سرمایه‌های طبیعی همگانی شود، مکلف به جبران خسارت است.

این قاعده مورد اتفاق تمام مسلمانان بوده و اجماع منقول و محصل بر آن قائم گشته است و بیشتر فقیهان بر این قاعده اتفاق نظر دارند و هیچ گونه اختلافی درباره آن وجود ندارد. این قاعده از ضروریات فقه است.

۳-۳-۴. قاعده تسبیب: بسیاری از فقها قاعده تسبیب را شاخه‌ای از قاعده اتلاف قلمداد کرده و اتلاف را به «اتلاف بالمباشرة» و «اتلاف بالتسبیب» تقسیم نموده‌اند، اما برخی از فقیهان با اشاره به روایت سکونی از امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) که فرمودند: «من اخرج ميزابا ام کنیفا او اوتد وتدا او اوثق دابه، او حفر شیئا فی طریق المسلمین، فاصاب شیئا فعضب فهو له ضامن؛ هر کس ناودانی یا گودالی در راه مسلمین ایجاد کند یا میخ یا افسار مرکبش را بکوبد، یا چاهی در راه مسلمین حفر نماید و کسی به آن‌ها اصابت کند و به زمین بیفتد، ضامن است» (۱۱). این‌گونه اظهار نظر کرده‌اند که هر فعلی که از فرد عاقل مختار صادر شده باشد و آن فعل عادتاً موجب وقوع تلف در مال یا جان مسلمانان باشد، فاعل چنین سببی ضامن است (۱۲).

قاعده تسبیب از جمله قواعد فقهی مؤثر در باب ضمان است. بر اساس این قاعده اگر شخصی با واسطه سبب ورود خسارت به دیگری شود، در صورت انتساب خسارت به او ضامن خواهد بود. مستندات فقهی این قاعده روایات و اجماع است که روایات مربوطه بیشترین نقش را در اثبات این قاعده دارند (۲۱).

از جمله قاعده‌هایی که می‌توان به جهت جلوگیری از تخریب محیط زیست بدان تمسک نمود، این قاعده است و به خاطر مشترکاتی که بین دو قاعده اتلاف و تسبیب است معمولاً فقها بلافاصله ذیل عنوان اتلاف، بحث «تسبیب» را عنوان می‌کنند. از منظر آموزه‌های دینی در صورتی که سببی به عدم تعادل محیط زیست و تخریب آن بینجامد، طبق این قاعده مسبب مسؤولیت دارد (۲۲).

وجه اشتراک قاعده اتلاف و قاعده تسبیب این است که در هیچ کدام از این دو قاعده، عمد و قصد اضرار لازم نیست، بلکه همین اندازه که تلف و ضرر به دیگری وارد شود کافی است، ولی همان‌گونه که در قاعده اتلاف گفته شد، احراز انتساب خسارت به فعل مسبب بدون تردید لازم است (۱۶). همچنین

با وجود اینکه حق بر محیط زیست، یک حق بشری محسوب می‌شود، ولی این بدان معنا نیست که انسان حق اتلاف و تخریب محیط زیست را دارد، بلکه باید از محیط زیست به عنوان یک امانت الهی حفاظت به عمل آورد. نظریه اتلاف می‌تواند در مصادیق زیست‌محیطی دریاچه ارومیه و جبران خسارت وارده بر آن نقش مهمی ایفا کند. بنابراین هر کس محیط زیست را تخریب نماید در برابر آن ضامن است، زیرا در اتلاف، قصد شرط نیست (۹).

در واقع هر شخصی که محیط زیست را آلوده سازد، مرتکب تقصیر شده است و در برابر آن مسؤولیت مدنی دارد و تفاوتی نمی‌کند که متعلق به خود او باشد و یا به دیگران تعلق داشته باشد.

در نهایت باید گفت که تخریب و آلوده‌ساختن عناصر و منابع زیست‌محیطی از جمله دریاچه ارومیه به گونه‌ای است که به سبب فعل خود شخص به محیط زیست خسارت وارد می‌شود. در واقع فعل شخص، به اموال و حقوق عمومی آسیب وارد کرده و حق محیط زیست را نیز نادیده گرفته است. پس بر اساس نظر فقیهان که هرگاه سرایت به سبب فعل شخص باشد، شخص ضامن است، هرچند که به مقدار نیاز باشد (۱۱)، در این موارد نیز شخص ضامن محسوب می‌شود، چون ظن به تعدی و اضرار وجود دارد، اگر نگوییم که قطع وجود داشته است، هرچند که برخی در اتلاف، میان تجاوز از مقدار نیاز و عدم آن و میان علم و ظن به تعدی و عدم آن تفاوت قائل نیستند (۱۸)، اما درباره مبنای ضمان و مسؤولیت مدنی ناشی از تصرفات در ملک خود، برخی از فقیهان، قاعده اتلاف را مبنا قرار داده، برخی دیگر از لاضرر سخن گفته (۱۹) و عده‌ای هم صدق قاعده اتلاف و اضرار را معیار قرار داده‌اند (۲۰). بنابراین می‌توان گفت که قاعده اتلاف در خصوص تخریب و آلوده ساختن منابع زیست‌محیطی متعلق به خود هم کاربرد داشته و مالک را مسؤول و ضامن قرار می‌دهد.

استفاده از منابع طبیعی حق دیگران و حتی نسل‌های آینده نیز است.

۴-۴. مبنای مسؤولیت مدنی زیست‌محیطی با توجه به ظرفیت‌های موجود در فقه و حقوق ایران: - اسلام ضرر را در شریعت نپذیرفته و هر کسی به دیگری ضرری برساند مکلف به جبران آن خواهد بود.

- طبق قاعده «کل من له الغنم فعليه الغرم» هرکس که غنیمتی برای او هست، غرامت هم برای او است. منطق این قاعده این است که هر شخصی که نفعی کسب می‌کند باید هزینه‌ها و خسارات وارده از قبل آن را نیز متقبل گردد.

- ماده ۳۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، عاملین را موظف به پرداخت جزای نقدی می‌داند.

- ماده ۲ قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی برای آلوده کنندگان پرداخت جزای نقدی در نظر گرفته است.

- ماده ۱ و ۵ قانون مسؤولیت مدنی.

- ماده ۱۳۲ قانون مدنی.

- ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی.

- ماده ۲ آیین‌نامه بهداشت محیط.

تمام مبانی مذکور در راستای جبران خسارت وارده، قابلیت استناد را دارا می‌باشند.

طبق اصل پنجاه قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

حال این سؤال مطرح است که بر اساس چه مبنایی آسیب‌زندگان به محیط زیست مسؤول شناخته می‌شوند؟ با توجه به نظریات رایج در مسؤولیت مدنی زیست‌محیطی می‌توان در یک چارچوب منطقی در فقه نظریات و زمینه‌هایی را یافت که

علم به موضوع و حکم در هیچ یک از این دو قاعده شرط نیست. بنابراین خواه ائتلاف با علم و اطلاع از حکم و موضوع باشد به این معنا که متلف و فاعل زیان بداند که عمل او موجب زیان و مسؤولیت و ضمان می‌شود و خواه بدون علم و از روی جهل نسبت به هر دو یا یکی از آن‌ها باشد، مسؤولیت و ضمان به وجود خواهد آمد. دلیل این امر اطلاق روایات در این زمینه است.

بنابراین در جایی که تقصیر شرط ایجاد مسؤولیت است، فعل واردکننده زیان در صورتی موجد مسؤولیت مدنی است که واردکننده آن مرتکب خطا شده باشد که ممکن است عمدی یا غیر عمدی باشد. بر این اساس، برای اینکه زیان‌دیده بتواند جبران خسارت خود را از شخصی بخواهد باید ثابت کند که تقصیر شخص اخیر سبب ورود خسارت بوده است. بدین ترتیب در اثبات تقصیر، زیان‌دیده نقش مدعی را دارد و باید دلایل اثبات ادعای خود را بیاورد، چون سخن او بر خلاف اصل است (۲۳).

بنابراین به موجب قاعده ائتلاف چنانچه فرد تمام احتیاط‌های لازم را رعایت کرده باشد و تقصیری نیز متوجه وی نباشد، به صرف اینکه بتوان فعل موجب ضرر را به وی منتسب نمود، عامل زیان مسؤول جبران خسارت است، برعکس بر مبنای تسبیب علاوه بر انتساب ضرر به فاعل، اثبات تقصیر نیز ضروری است و این وظیفه به عهده زیان‌دیده است که این مسأله را اثبات کند که سبب احتیاط‌های لازم را رعایت نکرده است.

با توجه به مطالب ذکرشده، تخریب و نابودی منابع طبیعی و محیط زیست از جمله دریاچه ارومیه نیز موجب ضمان است و حکومت اسلامی این حق را دارد که از چنین اقداماتی که باعث اضرار و تخریب است، جلوگیری به عمل آورد، لذا واجب است که انسان در حد و اندازه‌ای که طبیعت به او سپرده است تصرف کند، نه بیشتر از آن تا طبیعت از بین نرود، زیرا

البته بنای مسؤولیت مدنی بر اساس نظریه تقصیر مورد قبول همه حقوقدانان نیست و به خاطر نقص‌هایی که در نظریه تقصیر وجود دارد، امروزه معتقدین به این نظریه نیز رو به نظریه مسؤولیت مطلق می‌آورند و این مبنا همان چیزی است که در خسارت زیست‌محیطی مطرح است (۱۲).

نظریه مسؤولیت مطلق علاوه بر اینکه دشواری اثبات تقصیر را برطرف می‌کند، اصول حفاظت از محیط زیست را نیز بهتر تأمین می‌کند. همچنین از آنجا که هدف اولیه از مسؤولیت زیست‌محیطی پیشگیری از بروز زیان است، هدف مزبور از طریق مسؤولیت مطلق بهتر تأمین می‌شود (۱۳). در واقع با بررسی نظریات مختلف با معیار احراز تقصیر نمی‌توان حمایت مناسبی از محیط زیست نمود و مسؤولیت مطلق می‌تواند حمایت حداکثری از محیط زیست را تأمین نماید.

۴-۵. روش جبران زیان‌های زیست‌محیطی، از جمله

دریاچه ارومیه در قلمرو مسؤولیت مدنی و طرق جبران

خسارت: مهم‌ترین اثر و نتیجه مسؤولیت مدنی الزام به جبران خسارت زیان‌دیده است، لذا شخصی که از نظر قانونی در مقابل دیگران مسؤولیت مدنی دارد، ملزم است ضررهای مادی و معنوی را که به واسطه فعل یا ترک فعل وی به زیان‌دیده وارد شده است، جبران کند (۲۶).

امروزه التزام به جبران خسارت زیست‌محیطی به عنوان اصلی اساسی در جهت حمایت و حفاظت از محیط زیست مد نظر است.

بنابراین هرگونه حکم به جبران خسارت یا غرامت مالی مستلزم ارزیابی اقتصادی خسارت وارده است. با بروز خسارت زیست‌محیطی مشکلات زیادی در این خصوص به وجود می‌آید، البته کلیه اجزای محیط زیست را به سادگی نمی‌توان ارزشگذاری کرد. بسیاری از این اجزا دارای ارزش اقتصادی نیستند و مورد معامله قرار نمی‌گیرند و یا به عنوان کالای عمومی (مانند هوای پاک)، امانات عمومی (سواحل) یا ثروت ملی (پارک‌های ملی) در نظر گرفته می‌شوند (۲۷).

مسؤولیت مبتنی بر آن می‌تواند حمایت حداکثری از محیط زیست را تأمین نماید.

مسؤولیت در فقه تحت عنوان «ضمان» بیان شده است. مسؤولیت زیست‌محیطی یا ناشی از «اتلاف» است که معادل آن نظریه عدم تقصیر است و یا مسؤولیت ناشی از «تسبیب» است که معادل مسؤولیت مبتنی بر تقصیر است (۱۲).

در واقع مبنای مسؤولیت مدنی زیست‌محیطی را با توجه به ظرفیت‌های موجود در فقه و حقوق ایران باید مبتنی بر نظریه مسؤولیت مطلق دانست نه نظریه تقصیر.

از بررسی مبانی مسؤولیت در حقوق چنین به دست می‌آید که در بحث مسؤولیت مدنی، مبنای مسؤولیت، مسؤولیت مطلق است و عامل تقصیر در آن جایگاهی ندارد و آنچه مهم است احراز رابطه سببیت بین فعل یا ترک فعل و ورود زیان است و تحولات حقوقی در جهان نیز به سوی مسؤولیت مطلق گرایش دارد، هرچند امروزه در بسیاری از موارد چنین نیست، ولی زمانی فرا می‌رسد که بیشتر خسارت‌ها از راه مسؤولیت محض جبران می‌شود و این نظریه بر اصل تقصیر حکومت می‌کند، در نتیجه قائل‌شدن به مبنای مسؤولیت مطلق، در مسأله حیاتی محیط زیست از جمله حفاظت از دریاچه ارومیه، منطقی به نظر می‌رسد (۲۴).

در رابطه با نوع و مبانی مسؤولیت ناشی از زیان‌های زیست محیطی در بیشتر نظام‌های حقوقی گرایش به سمت مسؤولیت مطلق است و برای عاملین زیان‌های زیست‌محیطی، مسؤولیت مطلق قائل شده‌اند. در مسؤولیت مطلق، اثبات تقصیر در ایجاد مسؤولیت نقشی ندارد و بر اساس این نظریه، واردکنندگان زیان مقصر محسوب می‌شوند. طرفداران نظریه مسؤولیت مطلق برای واردکنندگان زیان، دلایل عمده‌ای را بیان می‌کنند. آنان معتقدند که برای زیان‌دیده دشوار است تا تقصیر خواننده زیان‌های زیست‌محیطی را اثبات کند، لذا کسی که در عرصه محیط زیست دارای فعالیت زیان‌بار است، باید جبران زیان آن را نیز متحمل شود (۲۵).

۴-۵-۲. جبران خسارت از راه دادن معادل: همانطور که اشاره شد، در صورت به وجود آمدن زیان، در ابتدا خسارت باید به طور کامل جبران شود، یعنی وضع زیان دیده به حالت پیشین خود بازگردد. مرحله بعد جبران خسارت از طریق دادن معادل آن است. این راه حل وقتی کاربرد دارد که اعاده وضع به حالت سابق از ورود زیان میسر نباشد. در روش ارائه معادل جایگزین کردن منابع طبیعی آلوده و تخریب شده با یک منبع معادل، ابتدا رفع زیان وارده از طریق جبران به مثل در صورت امکان مرتفع می شود، البته در مواقعی فراهم کردن مثل آنچه که زیان بر آن وارد شده است، امکان پذیر نمی باشد، در این صورت با پرداخت قیمتی که میزان آن با ارزش زیان وارده بر محیط زیست برابر باشد، سعی می شود تا قسمتی از زیان وارده جبران شود. از ویژگی های این روش در جبران زیان های زیست محیطی آن است که نه تنها علت و سبب زیان، بلکه مقدار و میزان زیان وارده نیز مد نظر قرار می گیرد و در زمان صدور حکم به جبران زیان، به عوامل مهمی مانند تغییرات در بهبود وضعیت آب آلوده شده و... نیز توجه می شود.

۴-۵-۳. دستور موقت: از آنجایی که جبران خسارت های محیط زیست، از جمله جبران خسارت های وارده بر دریاچه ارومیه اغلب اوقات نمی تواند وضع را به حالت سابق برگرداند، باید از اقداماتی که احتمال دارد به محیط زیست آسیب برساند، جلوگیری شود. دستور موقت یکی از راهکارهایی است که می تواند از آلودگی محیط زیست بکاهد. این راهکار به طور معمول پس از ارزیابی جبران ناپذیر بودن زیان و تهدید سلامت عمومی، به طور خارج از نوبت صادر می شود و در مسائل زیست محیطی که در آنها به اقدام فوری نیاز است مناسب است (۲).

مطالبه خسارت ناشی از اجرای دستور موقت با اقامه دعوی امکان پذیر است. طبق ماده ۳۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی عدالت اداری، «در صورتی که شاکی ضمن طرح شکایت خود یا پس از آن مدعی شود که اجرای اقدامات و یا

با لحاظ اصول و مبانی مسؤولیت مدنی، جبران زیان های وارده بر محیط زیست از جمله دریاچه ارومیه از راه های مختلف محقق می شود که شامل موارد زیر می باشد:

۴-۵-۱. اعاده طبیعت به وضع سابق: طبق ماده ۳۲۹ قانون مدنی: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را همانند صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت برآید.»

اعاده طبیعت به وضع سابق به معنای قراردادادن محیط زیست آسیب دیده در موقعیتی است که گویا فعل زیان بار علیه آن صورت نگرفته است و اگر عامل زیان مرتکب اقدام زیان بار نمی شد، محیط زیست آلوده و تخریب شده هم اکنون در آن موقعیت قرار داشت، البته جبران زیان وارده بر محیط زیست از این طریق تنها نسبت به آینده مؤثر است و زیان های گذشته را از بین نمی برد. در این روش در ابتدا از راه بازگرداندن عین اجزای محیط زیست یا مصادیق آن سعی می شود تا زیان وارده بر محیط زیست جبران شود، ولی در موارد بسیاری بازگرداندن منابع طبیعی آلوده و تخریب شده به حالت اولیه امکان پذیر نیست، زیرا ویژگی بعضی از زیان های زیست محیطی و تأثیر برخی از آلوده کننده ها به نحوی است که تا مدت زمان طولانی در طبیعت باقی می ماند تا از بین برود. در مرحله بعدی اگر آلوده کننده به فعالیتی می پردازد که به طور مستمر باعث ورود زیان بر منابع طبیعی می شود، از بین بردن منبع آلوده کننده مهم ترین راه جبران زیان است (۱۳).

اعاده وضع به حالت سابق می تواند از طریق «ترمیم»، «احیاء»، «پاکسازی» و... صورت گیرد، البته در برخی موارد مانند خسارات وارده بر آب رودخانه ها و دریاها و دریاچه ها از جمله دریاچه ارومیه خسارات وارده بر سلامتی اشخاص مانند بیماری های تنفسی و ریوی امکان توسل به این روش کارایی ندارد (۲۶).

اجتماعی بر اساس احکام اسلامی پرداخت. مبانی فقهی جبران خسارات زیست‌محیطی قرآن کریم، روایات، عقل، اجماع و قواعد فقهی لاضرر، اتلاف، تسبیب و... است که طبق آن‌ها مسؤولیت‌های تکلیفی انسان به درستی معلوم می‌شود و نتیجه آن‌ها اثبات ضمان، در نتیجه هر عمل تخریبی و ترک اقدام اصلاحی در محیط زیست است. بنابراین باید از اعمالی که موجب آسیب‌رساندن به محیط زیست می‌شود، اجتناب نمود. استناد به منابع فقهی و حقوقی به دولت اسلامی این امکان را می‌دهد تا با توجه به آن‌ها ضمن حفاظت از محیط زیست به حراست از این میراث که از گذشتگان به انسان‌ها رسیده است، برای نسل‌های آینده بپردازد.

البته به علت وابستگی انسان و دیگر موجودات زنده به محیط زیست توجه قانونگذاران و مسؤولان به آلودگی‌های زیست‌محیطی بیشتر شده است و تقریباً تمام کشورهای جهان به تدوین قوانین زیست‌محیطی مؤثر به منظور حمایت و حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از آلودگی آن پرداخته‌اند. کشور ما نیز به این امر توجه نموده و در قوانین مختلف به آلودگی زیست‌محیطی و اثرات آن اشاره می‌نماید.

قانونگذار در نظام جمهوری اسلامی با مد نظر قراردادن اصل پنجاهم قانون اساسی سعی نموده است در رابطه با حفاظت و توسعه پایدار و جلوگیری از عوامل مخرب و نابودکننده برای هریک از مصادیق محیط زیست، قانون و مقررات خاصی تدوین و تصویب نماید. به همین خاطر در حال حاضر ما شاهد تعدد قوانین و مقررات مسایل زیست‌محیطی هستیم.

یکی از حقوق بزرگ زیست‌محیطی در کشور ما، حق بر محیط زیست دریاچه ارومیه است که در نتیجه دخالت عوامل طبیعی و انسانی در معرض نابودی قرار گرفته است.

دریاچه ارومیه با وجود داشتن موقعیت و مزایای فراوان و شرایط زیست‌محیطی ویژه در سال‌های اخیر به دلیل دخالت‌های نا به جای انسانی در آن و محیط پیرامونی‌اش در

تصمیمات یا آرای قطعی یا خودداری از انجام وظیفه توسط اشخاص و مراجع مذکور در ماده ۱۰ این قانون سبب ورود خسارتی می‌گردد که جبران آن غیر ممکن یا متعسر است، می‌تواند تقاضای صدور دستور موقت نماید. پس از طرح شکایت اصلی، درخواست صدور دستور موقت باید تا قبل از ختم رسیدگی به دیوان ارائه شود.» همچنین طبق ماده ۳۷ شعبه دیوان موظف است در صورت صدور دستور موقت، نسبت به اصل دعوی خارج از نوبت رسیدگی و رای مقتضی صادر نماید (۲۶).

۵. بحث

هدف اولیه پژوهش حاضر در ابتدا پیشگیری از بروز زیان به محیط زیست از جمله به دریاچه ارومیه و در مرحله بعد در صورت ایجاد خسارت، الزام فرد خسارت‌زننده به جبران خسارت زیان‌دیده است، زیرا شخصی که از نظر قانونی در مقابل دیگران مسؤولیت مدنی دارد، ملزم است زیان‌های وارده را که به واسطه فعل یا ترک فعل وی به زیان‌دیده وارد شده است، جبران کند. مسؤولیت در فقه تحت عنوان «ضمان» بیان شده است. مسؤولیت زیست‌محیطی یا ناشی از «اتلاف» است که معادل آن نظریه عدم تقصیر است و یا ناشی از «تسبیب» است که معادل مسؤولیت مبتنی بر تقصیر است، البته مبنای مسؤولیت مدنی زیست‌محیطی را با توجه به ظرفیت‌های موجود در فقه و حقوق ایران باید مبتنی بر نظریه مسؤولیت مطلق دانست نه نظریه تقصیر.

۶. نتیجه‌گیری

خداوند متعال که جهان را برای بشر خلق کرده، مسؤولیت حفاظت از آن را نیز بر عهده بشر قرار داده است. با نگاهی گذرا به منابع فقهی پی می‌بریم که در فقه اسلامی ظرفیت‌های بسیاری برای قانونگذاری و اجرای قوانین محیط زیست وجود دارد که می‌توان با بهره‌بردن از آن‌ها به پی‌ریزی قوانین

البته قابل ذکر است که بازگرداندن دریاچه ارومیه و حوضه آبریز آن به حالت اولیه از مهم‌ترین راهکارهای حفاظت و احیای آن است.

پیشنهاد می‌شود:

- در حوزه محیط زیست، اصول قانونی استوار با ضمانت اجرایی تمام وضع و آموزش‌های مربوط به حفاظت از محیط زیست که مقدمه فرهنگ‌سازی است، فراگیر شود تا زمینه پیروی مستمر از قوانین محیط زیست برای عموم مردم فراهم شود، البته عامل اساسی و محکمی که درباره فرهنگ‌سازی بسیار تأثیرگذار است، بایدها و نبایدهای دین و دستورهای دینی و فقهی اسلام است که مهم‌ترین عامل ضمانت اجرایی مسلمانان است.

- بالابردن سطح آگاهی افراد در این مورد که رابطه انسان با محیط زیست نمی‌تواند رابطه مالکانه باشد و در این شرایط که منابع طبیعی در حال نابودی و یا تخریب قرار گرفته‌اند، باید در مصرف و بهره‌برداری از منابع و عناصر ارزشمند طبیعی حتماً تجدید نظر نماییم.

- آگاهی‌بخشی در رابطه با خطراتی که جامعه و انسان‌ها را تهدید می‌کند و نیز آگاهی از وضعیت تخریب محیط زیست در عصر حاضر.

- مهار ریختن پس‌مانده‌های فرآورده‌های شوینده، رنگ‌های شیمیایی، حلال‌های شیمیایی، سموم و پسماندهای کارخانه‌ها در دریاچه ارومیه.

- تدوین قوانین جدید در زمینه خسارت‌های وارده بر آب‌ها به ویژه در بخش‌هایی که فاقد قوانین مناسب است و بازنگری در قوانین موجود و لزوم کارسازی ضمانت اجرای مناسب برای قوانین وضع شده.

- اجرای قوانین مبارزه با تخریب‌کنندگان طبیعت.

- ترسیم و ارائه راهکارهای انتقال از وضعیت موجود محیط زیست به وضعیت مطلوب آن.

- لزوم شناخت کامل و دقیق منابع اصلی آلودگی.

معرض خشک‌شدن و نابودی و تبدیل‌شدن به یک بحران قرار گرفته است.

کاهش بی‌سابقه آب دریاچه در چند سال اخیر ناشی از عوامل مختلفی چون سدسازی، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب حوضه دریاچه و کاهش مقدار ورودی به دریاچه (یعنی جریان‌ات سطحی ورودی به علاوه بارندگی بر سطح دریاچه) نسبت به جریان‌ات خروجی از دریاچه (که تنها تبخیر از سطح است) می‌باشد. در حال حاضر ۶۰ درصد از بستر دریاچه به شوره‌زار تبدیل شده است.

بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته سه عامل اصلی مؤثر در خشکی دریاچه ارومیه عبارتند از: ۱- برداشت بیش از حد از منابع آب: برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرسطحی؛ ۲- توسعه نامتوازن بخش کشاورزی منطقه: تولید بیش از نیاز برخی از محصولات در منطقه؛ ۳- تغییرات آب و هوایی و ادامه خشکسالی‌ها در منطقه.

در حقیقت از مهم‌ترین پیامدهای خشک‌شدن دریاچه ارومیه عبارت است از تهدید سلامت مردم و از بین رفتن اقتصاد منطقه و مهاجرت که ضرری جبران‌ناپذیر محسوب می‌شود. بهترین راه برای حل بحران دریاچه ارومیه، دست‌کشیدن از دستکاری این دریاچه است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بستن چاه‌های غیر مجاز و کنترل چاه‌های مجاز در چگونگی مصرف.

- جلوگیری از احداث سدها و رهاکردن آب سدهای موجود و ذخیره‌نکردن مجدد.

- جلوگیری از برداشت‌های بی‌رویه آب رودخانه‌های منتهی به دریاچه.

- اصلاح پل روگذر شهید کلانتری از خاکریز به پل هوایی و در صورت اصلاح‌نشدن، تخریب آن.

- جلوگیری از گسترش باغ‌ها و تبدیل کشت محصولاتی که نیاز به آب فراوان دارند (مانند چغندر و...) به محصولات دیمی.

۷. تقدیر و تشکر

در به سامان‌رساندن این پژوهش از داوران محترمی که با پیشنهادات و نظرات ارزشمند خویش، موجبات غنای این پژوهش را فراهم نمودند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

۸. سهم نویسندگان

سپیده بوذری: نگارش و تألیف مقاله.

۹. تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافی وجود ندارد.

References

1. Dekhoda A. Dictionary. Tehran: Tehran University; 1993. Vol.12 p.1807-1808. [Persian]
2. Bahrami Ahmadi H. Rules of Jurisprudence. Tehran: Imam Sadegh University; 2009. Vol.1 p.95, 231. [Persian]
3. Ghasemi N. Environmental Criminal Law. Tehran: Jamal al-Haq Publications; 2005. p.24. [Persian]
4. Javadi Amoli A. Mafatih al-hayat. Qom: Isra; 2012. p.690. [Persian]
5. Astarabadi A. Civil liability of the government resulting from development projects harmful to the environment. Shiraz: National Conference on Jurisprudence, Law and Psychology; 2016. p.4-5.
6. Khaki H, Poorahmadi P. An analysis of the drying factors of Lake Urmia. Rasht: The Fifth Conference of New and Up-to-Date Achievements in Engineering Sciences and New Technologies; 2019. p.2. [Persian]
7. Sajedi A. A Study of the Role of Time and Place in Environmental Jurisprudence. *Journal of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*. 2013; 5(16): 69-84.
8. Fakhlaei M, Tari Moradi E. Principles and Rulings of the Environment, Islamic Studies. *Journal of the Faculty of Theology and Islamic Studies*. 2006; 71: 31-66. [Persian]
9. Emami Gheshlagh M, Hashemi M, Mohebbi M, Rostami V. The right to a healthy environment in the light of jurisprudential and moral principles. *Ethical Research*. 2017; 8(31): 143-157.
10. Imam Dadi A, Saghafi M. Protection of environmental rights in the light of jurisprudential rules. *Bi-Quarterly Environmental Law*. 2016; 1(1): 40-55. [Persian]
11. Imam Khomeini R. Tahrirolvasile. Qom: Ismaili Press Institute; 1987. Vol.2 p.18, 51, 190, 566.
12. Bahrami Ahmadi H, Fahimi A. The Basis of Environmental Civil Liability in Iranian Jurisprudence and Law. *Journal of Islamic Studies and Law*. 2007; 8(26): 121-150. [Persian]
13. Heydari F, Qasemi N. Compensation for damage to the environment from the perspective of civil law. *Encyclopedia of Law and Politics*. 2014; 10(22): 67-88. [Persian]
14. Nikkhah Sarnaghi R, Salehi M, Javadi H. Harmless rule and right to the environment with emphasis on Lake Urmia. *Echo Hydrology*. 2017; 5(1): 341-331.
15. Nouri H. Mostadrekolvasael. Qom: Al-Bayt Institute; 1988. Vol.17 p.95.
16. Mohaghegh Damad M. Rules of Jurisprudence 1 Civil Section. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center; 2009. p.114, 120. [Persian]
17. Hosseini Maraghi A. Anavin Al-feghiyyah. Qom: Islamic Publishing Institute; 1995. Vol.2 p.115, 445.
18. Najafi M. Jawaher Al-Kalam Fi Sharh Sharaye Al-islam. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyyah; 1994. Vol.37 p.60-61.
19. Ansari M. Rasael feghiyyah. Qom: Islamic Thought Association; 1989. Vol.1 p.128.
20. Maraghi A. Al-Anavin. Qom: Islamic Publishing Foundation; 1996. Vol.2 p.235.
21. Tabatabai Lotfi E, Roshani M. The rule of causation and its relationship with the rule of loss. *Specialized Quarterly of Jurisprudential and Philosophical Studies*. 2011; 2(7): 73-91.
22. Miley H. The requirements of environmental protection in the light of the rules of jurisprudence. *Development Strategy*. 2019; 14(53): 33-57.
23. Katoozian N. Coercive guarantee- civil liability. Tehran: University of Tehran Press; 1990. p.104. [Persian]
24. Katoozian N. Legal Events. Tehran: Yalda Publishing; 1992. p.240. [Persian]
25. Cane P. Are Environmental Harms special? *Journal of Environmental Law*. 2001; 13(1): 3-20.
26. Hemmati M. Filing a lawsuit for environmental compensation in the Iranian legal system. *Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives*. 2017; 23(81): 221-253.
27. Abdullahi M. Environmental Law. Tehran: Khorsandi Publications; 2014. p.141-142. [Persian]



Majale "Akhlaq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)

2021; 11(36): e9

<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.34906>



ORIGINAL RESEARCH



Compensation for Damage to the Environment by Emphasizing the Crisis of Urmia Lake and Invoking the Rule of No Harm and Loss and Causation

Sepideh Bouzari¹ 

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, University of Maragheh, Maragheh, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 15 April 2021

Accepted: 24 July 2021

Published online: 02 September 2021

Keywords:

Environment

Compensation

Loss

Environmental Damage

Urmia Lake

ABSTRACT

Background and Aim: In Islam, for protection of the environment, there are provisions within the general rules of compensation, including the rule of no harm, loss and causation, which can be examined in line of the jurisprudential principles of civil and environmental liability. The present study aims to investigate the compensation of damage to the environment by emphasizing the crisis of Urmia Lake and citing the rule of no harm, loss and causation.

Materials and Methods: The present research has been done by descriptive-analytical method and through library data collection.

Ethical Considerations: In all stages of writing this research, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Findings: In recent years the water retreat of Urmia Lake and its transformation into saline areas has led to the destruction of a healthy environment. Urmia Lake crisis has been the result of not paying attention to sustainable development in its catchment area and excessive water consumption in various sectors, including agriculture sector. According to the no-harm rule, any occupation and change in human society and nature that violates the others rights is forbidden by Islam. Therefore, in case of damage to the environment and with the realization of the elements of damage, compensation can be demanded from the perpetrators of environmental damage. According to the rule of loss, if someone causes the destruction and loss of public natural capital by causing environmental pollution, he is obliged to compensate the damage, and under the rule of causation, in addition to attributing the damage to the perpetrator, proof of guilt is also necessary.

Conclusion: One of the basic environmental rights in Iran is the right to the environment of Urmia Lake, which has been destroyed as a result of the intervention of natural and human factors. In this regard, the jurisprudential principles of compensation for environmental damage are jurisprudential rules such as the rule of no-harm, loss and causation that based on them, the responsibilities of human beings are clearly defined and its conclusion is proof of guarantee as a result of any destructive act in the environment. In terms of the principles and foundations of civil liability, compensation for damage to the environment, including Urmia Lake, is achieved through ways such as restoring nature to its former state, compensation for damages by giving an equivalent and a temporary order.

* Corresponding Author: Sepideh Bouzari

Address: Department of Law, Faculty of Humanities, University of Maragheh, Maragheh, Iran.

Postal Box: 5518183111

Email: bozari.sepide@yahoo.com

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Bouzari S. Compensation for Damage to the Environment by Emphasizing the Crisis of Urmia Lake and Invoking the Rule of No Harm and Loss and Causation. *Majale "Akhlaq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)*. 2021; 11(36): e9.